

دکتر باقرپور کاشانی



گزارشی از تولد و امامت امام رضا
و فرزندان شان علیهم السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارشی از تولد و امامت امام رضا و فرزندان شان علیهم السلام

یزید بن سلیط زیدی که کنیه اش أبا عماره است گوید:

«در بین راهی که به عمره می رفتیم به موسی بن جعفر برخوردیم و عرض کردم: قربانت گردم! این مکان را که ما در آن هستیم، به یاد می آورید؟ فرمود: آری! تو هم یادت می آید؟»

عرض کردم: آری! من و پدرم شما را در این جا ملاقات کردیم و امام صادق علیه السلام و برادران شما هم بودند. پدرم به امام صادق عرض کرد: پدر و مادرم فدایت! شما همه امامان پاکدلی کسی از مرگ برکنار نمی ماند. به من مطلبی بفرمایید که به خلف و فرزندانم باز گویم تا گمراه نشود».

یعنی به تعبیری بعد از شما امام کیست؟ حجت کیست؟ می گوید امام صادق علیه السلام هم بود. شما بودی، برادرانت هم بودند، من بودم، پدرم هم بود این درخواست را از امام صادق علیه السلام کرد.

«فرمود: آری ای اباعبدالله! (اباعبدالله لقب یزید) اینان پسران من هستند
و این سرور آنان...»

اشاره کرد به چه کسی؟ به وجود نازنین امام موسی بن جعفر علیه السلام!

«اوست که حکم و فهم و سخاوت و شناسایی احتیاجات و اختلاف مردم
را در امر دین و دنیاشان می داند و اخلاق و پاسخ دادنش نیکوست و او دری
از درهای خداست و امتیاز دیگری دارد که از همه این ها بهتر است.»

حضرت صادق علیه السلام، حضرت موسی بن جعفر را با این عبارات معرفی
می کند:

«هَذَا سَيِّدُهُمْ وَأَشَارَ إِلَيْكَ وَقَدْ عَلَّمَ الْحُكْمَ وَالْفَهْمَ وَالسَّخَاءَ وَالْمَعْرِفَةَ بِمَا
يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ وَدُنْيَاهُمْ وَفِيهِ حُسْنُ الْخُلُقِ
وَ حُسْنُ الْجَوَابِ وَ هُوَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

«پدرم عرض کرد: پدر و مادرم فدایت! آن چیست؟»

حالا او امتیازاتی دارد که از همه این ها بهتر است. یعنی چه؟ از سخاوتش،
از اینکه اختلافات بین مردم را برطرف می کند، از حکم و از فهم و یک
امتیازاتی دارد آن امتیازات که این فرزندان حضرت موسی بن جعفر دارد
چیست؟!

«حضرت فرمود: خدای عزوجل، فریادرس و پناه و علم و نور و فضیلت و حکمت این امت را از صلب او بیرون آورد».

از صلب حضرت موسی بن جعفر چه کسی به دنیا آمده؟ امام رضا علیه السلام! آن ویژگی ای که از همه این‌ها بالاتر هست در وجود موسی بن جعفر علیه السلام چه ویژگی هست؟ این ویژگی هست که او پناه و علم و نور و فضیلت و حکمت، حقیقتش از صلب موسی بن جعفر من به دنیا می‌آید!

«او بهترین مولود و بهترین کودک است. خدای متعال به وسیله او از خون‌ریزی جلوگیری می‌کند و میان مردم آشتی دهد و پراکنده را گرد آورد و رخنه را اصلاح کند، برهنه را بپوشاند، گرسنه را سیر کند، هراسان را ایمن سازد، خدا به برکت او باران فرستد و بر بندگان ترحم کند. اما بهترین پیران و بهترین جوانان است. گفتارش حکمت، سکوتش علم، آنچه مردم در آن اختلاف دارند خاتمه دهد و پیش از بلوغش بر عشیره خودش سروری کند. پدرم عرض کرد: پدر و مادرم فدایت! او متولد شده؟»

فرمود: آری! چند سال هم از سنش گذشته. یزید گوید در آن هنگام شخصی وارد شد که با بودن او نمی‌توانستم سخنی گویم. یزید گوید به موسی بن جعفر عرض کردم: مانند خبری که پدرت امام صادق علیه السلام به من فرمود شما هم به من بگویید.

امام فرمود: آری، پدرم در زمانی بود که مانند این زمان نبود، یعنی در این زمان باید تقیه کرد.

به حضرت عرض کردم: هر که به این جواب قناعت کند لعنت خداوند بر او باد. حضرت را خندهٔ سختی گرفت سپس فرمود: نمی‌توانم بگویم».

یزید گفت من اگر بخواهم به این جواب سکوت بکنم خدا باید من را لعنت کند! به تعبیری به حضرت پيله کرد که باید شما بگویید!

ای اباعمار! به تو خبر دهم که از منزل بیرون رفتم و به فلان پسر و وصیت کردم و در ظاهر، پسران دیگر هم با او شریک کردم، ولی در باطن و خلوت تنها به او...».

یعنی به این صورت بوده که حتی به بچه‌هایشان هم حضرت احتیاط می‌کردند!

«اگر کار دست من بود امامت را به پسر قاسم می‌دادم که او را دوست می‌دارم و نسبت به او مهربانم. ولی این اختیار با خدای سبحان است و هر کجا بخواهد قرار می‌دهد».

یعنی چه؟ آیا خواستهٔ امام، سلیقهٔ امام با سلیقهٔ خدا فرق می‌کند؟ نه! بلکه چون آن حساسیت‌ها نسبت به قاسم نبوده و جان قاسم حفظ می‌شده!

اما این حساسیت‌ها نسبت به آقاعلی بن موسی الرضا علیه السلام مطرح بوده! از این جهت این را می‌گویند.

«خبر امامت او از رسول‌الله به من رسیده و خدا او و معاصرینش را به من نشان داده است و او نیز تا پیغمبر و جدم علی خبر نرسد، به کسی از ما وصیت نکند. و من در خواب دیدم که همواره پیغمبر انگشتر، شمشیر، عصا، کتاب، عمامه. عرض کردم: یا رسول‌الله! این‌ها چیست؟ فرمود: عمامه رمز سلطنت خداست، شمشیر رمز عزت است، کتاب رمز نور است، عصا رمز قوت و نیروی خداست، انگشتر رمز جامع همه این امور است.»

سپس رسول‌الله به من فرمود: امر امامت از تو بیرون رفته و به دیگری رسیده است. عرض کردم: یا رسول‌الله! به من نشان بده که او کیست؟»

یعنی به این معنا که الان امام نیستی! بلکه باید این‌ها روشن بشود، نه اینکه حجت بوده بعد امام شد کسی دیگری از حجت خارج شده! نه! امام به شهادت می‌رسد، حجت‌الهی منتقل می‌شود به امام بعد. یعنی انتخاب شده که از تو خارج شده، یعنی انتخاب شده که بعد از تو فرزندان به عنوان حجت‌الله مثلاً خواهد بود.

«فرمود: من هیچ یک از امامان را ندیدم که از مفارقت امر امامت مانند تو بی‌تابی کند. اگر امر امامت از روی محبت و دوستی بود که اسماعیل از تو نزد پدرت محبوب‌تر بود، ولی امام از جانب خدای سبحان تعیین می‌شود. سپس موسی بن جعفر فرمود: من تمام فرزندان زنده و مرده‌ام را به نظر آوردم، آنگاه امیرالمؤمنین به پسر علی اشاره کرد و فرمود: این سرور آنان است. او از من و من از اویم و خدا با نیکوکاران است.»

سپس موسی بن جعفر فرمود: ای یزید! این مطالب نزد تو امانت باشد، جز با آدم عاقل یا بنده‌ی خدایی که او را راست‌گو تشخیص داده‌ای مگو! و اگر از تو گواهی خواستند، گواهی بده، چون خدای سبحان می‌فرماید: خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش برگردانید. و نیز به من فرموده است: ستمگرتر از آنکه شهادت خدا را نزد خویش پنهان کند کیست؟ موسی بن جعفر گوید: من در خواب متوجه رسول‌الله شدم و عرض کردم: پدر و مادرم فدایت! شما همه فرزندانم را یک‌جا گفتید، بفرمایید کدام‌شان امام است؟

فرمود: آنکه با نور خدا نگاه می‌کند و با فهمش می‌شنود، و با حکمتش سخن می‌گوید، و راه درست می‌رود و اشتباه نمی‌کند. علم دارد و لذا نادانی

نمی‌کند، حکمت و علم به او آموخته شده. آنگاه دست پسر علی را گرفت و فرمود: او این است».

چنین خوابی را وجود مقدس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله می‌بینند.

«سپس فرمود: چه کم همراه او هستی!»

یعنی وفاتت نزدیک هست موسی.

«وقتی از سفر مکه بازگشتی وصیت کن و کارهایت را سامان ده و از هر چه خواهی فراغت جو، زیرا تو از ایشان جدا می‌شوی و همسایه دیگران خواهی شد. چون خواستی وصیت کنی علی را بطلب تا تو را غسل دهد».

ببینید از ویژگی‌هایی که برای معصومین هست این می‌باشد که حجت الهی را فقط حجت قبل از او باید غسل بدهد! ولو اینکه بچه هفت ساله‌ای مثل جواد الائمه علیه السلام باشد! ولو اینکه بچه پنج ساله‌ای مثل امام زمان علیه السلام باشد! او حضرت عسکری علیه السلام را غسل می‌دهد و بر او باید نماز بخواند و باید او حجت الهی را کفن کند!

«چون خواستی وصیت کنی علی را بطلب تا تو را غسل دهد و کفن پوشد، زیرا غسل دادن او تو را پاک کند و جز آن درست نباشد، و این سنتی است

که از پیش ثابت شده، و باید هنگام نماز میت تو در برابرش بخوابی و برادران و عموهایش را پشت سر او به صف کن و به او دستور بده که ۹ تکبیر بر تو بگوید زیرا وصیت او پابرجا شده و در حال زنده‌بودنت متصدی کارهای تو باشد».

متصدی کارهای تو باشد به این معنا نیست که دیگر حجت‌الله هست و تو حجت‌الله نیستی! دقت کنید نکته این جا این است!

«سپس فرزندان را که بعد از او هستند گرد آور و برای او از ایشان گواهی بگیر و خدا را هم گواه بگیر و همان خدا برای گواهی کافی ست.

یزید گوید: سپس موسی بن جعفر به من فرمود: مرا امسال می‌گیرند و امر امامتم با پسر علی ست که هم نام دو علی از امامان گذشته است: علی اول علی بن ابی طالب، علی دوم علی بن الحسین. فهم و خویشنداری و نصرت و دوستی و دین و محنت علی اول و محنت و شکیبایی بر ناملازمات علی دوم بر او داده شده و تا چهار سال بعد از مرگ هارون، آزادی زبان ندارد و نباید چیزی بگوید.

سپس به من فرمود: ای یزید! هرگاه گذرت به این جا افتاد و او را ملاقات کردی که ملاقات هم خواهی کرد، به او مژده بده که خدا پسری به تو خواهد

داد امین، مورد اعتماد و مبارک و او به تو خبر می‌دهد که مرا در این جا ملاقات کردی».

عجیب است! جواد الائمه علیهم‌السلام خبر می‌دهد که پدر بزرگم را تو این جا ملاقات کردی!

«آن هنگام تو به او خبر ده که آن کنیزک مادر آن پسر کنیزی است از خاندان ماریه، کنیز رسول‌الله و مادر ابراهیم و اگر توانستی سلام مرا به آن کنیز هم برسانی برسان.»

یزید گفت که بعد از وفات موسی بن جعفر، علی را ملاقات کردم. از من آغاز نمود و فرمود: ای یزید! برای رفتن به عمره چه نظری داری؟ عرض کردم: پدر و مادرم فدایت! اختیار با شماست من خرجی ندارم. فرمود: سبحان‌الله! ما تا عهده‌دار خرج تو نشویم که تکلیف نمی‌کنیم».

یک نکته اخلاقی هست! وقتی یک نفر را سور دعوت می‌کنی وقتی می‌گویی بیا مثلاً یک کافی شاپ برویم، این طوری نشود که بعد دست در جیب نکنی! وقتی کسی را دعوت می‌کنی یعنی پولش هم می‌دهی!

«حضرت سخن آغاز کرد و فرمود: در این جا بارها همسایگان و عموهایت را ملاقات کردم. یزید از فرزندان زید بن علی بوده که با امام ششم و هفتم

پسرعمو می‌شود و پسرعمو در حکم عموست. عرض کردم: آری! سپس داستان را برای او شرح دادم و به من فرمود: اما آن کنیز هنوز نیامده. آمد سلام آن حضرت را به او می‌رسانم. سپس به مکه رفتیم و در همین سال آن کنیز را خریداری فرمود و مدتی نگذشت که حامله گشت و آن پسر را زایید. یزید گوید: برادران علی امید داشتند که وارث و وصی موسی بن جعفر باشند و بی‌گناه با من دشمن شده‌اند».

چرا؟ چون من گفتم فرزند تو به‌عنوان حجت‌الله هست! تو چرا داری می‌گویی که از موسی بن جعفر علیه السلام که آقا گفته که فرزند علی بن موسی می‌شود حجت الهی! با من چپ شدند! گفتم آقا من واقعاً شنیدم! اما آن‌ها دوست داشتند بعد آقا علی بن موسی الرضا جانشین شوند!

«اسحاق بن جعفر به ایشان می‌گفت: من دیدم که یزید در مجلس موسی بن جعفر در جایی می‌نشست که من در آن جا نمی‌نشستم».

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpoor-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir